

رازهای موفقیت دانش آموزان را در گفت و گو «شهروند» با دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش بخوانید

پله های خوب!

لیلا مهداد موفقیت تحصیلی؛ هدف مشترک خانواده ها و مدارس. هدفی که هریک سعی در تحقق آن دارند اگرچه همیشه این تلاش و خواسته به ثمر نمی نشیند. موفقیت تحصیلی گاهی در گرفتن نمرات بالا تعریف می شود و زمانی در آموختن درست همه دروس اما به واقع ماهیت موفقیت تحصیلی چیست؟ قبولی در رشته دلخواه در دانشگاهی مطرح، غایت موفقیت تحصیلی است؟ یا پرورش شهروندی با مهارت های شهروندی هم در این مقال می گنجد؟ برای رسیدن به پاسخ این سوالات و سوالاتی از این دست پای صحبت های محمود امانی تهرانی، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش نشستیم. او با ارایه تعریف درست از موفقیت تحصیلی به زوایای مختلف این مهم می پردازد و از اهمیت هریک از اجزای پیش برنده این هدف می گوید.

• وقتی صحبت از موفقیت تحصیلی به میان می آید، در واقع از چه چیزی سخن گفته می شود؟

موفقیت تحصیلی نمادهای مختلفی می تواند، پیدا کند. از دید برنامه ریزان درسی، موفقیت تحصیلی یعنی دستیابی به اهداف یک برنامه درسی. از دید معلمان و خانواده ها این موفقیت در کسب نمره بالاست. در واقع موفقیت تحصیلی ملاکی است برای رسیدن دانش آموزان به خودیاری. موفقیت تحصیلی یک وظیفه همگانی است تا تمام بچه های کشور که وارد نظام آموزشی می شوند، احساس موفقیت کنند. احساس موفقیت زمانی حاصل می شود که دید جامعه به موفقیت تحصیلی، رتبه ای و مقایسه ای نباشد. در نگاه مقایسه ای همیشه در یک گروه تعدادی شکست خورده داریم همان طور که رتبه های اول، دوم و سوم هم هستند. در این میان مدارس باید به این سمت حرکت کنند که فضایی به دور از رقابت و رتبه بندی فراهم کنند. در این فضا دانش آموزان به دور از رتبه بندی و رقابت با یکدیگر می توانند با توجه به تقرب شان به هدف، احساس موفقیت کنند.

• چه عواملی به تحقق موفقیت تحصیلی، می توانند کمک کنند؟

«مهارت ها»، «تکنیک ها» و «ارایه» را می توان جزو عوامل موثر بر موفقیت دانست. در گروه مهارت ها مهم ترین ها عبارتند از؛ مهارت های یادگیری، مهارت مدیریت زمان و مدیریت تمرکز. مدیریت یادگیری در دوره تحصیل اهمیت بالایی دارد، مهارتی که می تواند در ایجاد موفقیت، معجزه کند. مهارت مدیریت زمان هم اهمیت بالایی دارد؛ مهارتی آموختنی. مهارتی که اغلب از دوره متوسطه اول شروع می شود. مهارت بعدی مهارت تمرکز است، بسیاری از دانش آموزان از کمبود تمرکز حواس رنج می برند. این مهارت می تواند در بالا بردن راندمان یادگیری موثر باشد.

• نقش تکنیک های مطالعه و یادگیری در موفقیت های تحصیلی؟

تکنیک های یادگیری و مطالعه بسیار هستند. یکی از تکنیک های ساده و کاربردی این است که برای هر درسی خود دانش آموز سوالاتی طرح کند؛ سوالات عمیق و مفهومی. این تکنیک تمرینی پیش برنده است. تکنیک بعدی این است که دانش آموز برای هر درسی که می خواند کاربردهای جدیدی جست و جو کند.

• و مثالی برای شفاف شدن عامل «ارایه»؟

هر دانش آموز بعد از پایان هر درس باید به یک «ارایه» برسد. این «ارایه» می تواند شفاهی یا کتبی باشد. یکی از اشکال «ارایه» می تواند در قالب کاری هنری باشد مانند تهیه یک فیلم یا نمایش یا حتی یک پوستر. «ارایه» می تواند در قالب یک داستان یا یک لطیفه باشد. این شیوه می تواند به شکوفایی خلاقیت دانش آموز کمک کند. در واقع این مسائل، موفقیت های تحصیلی را رقم می زنند.

• آیا امتحانات مدارس می توانند گامی به سوی موفقیت باشند؟

پاسخ من مثبت است. به شخصه معتقدم هر آزمون یک موفقیت است برای یادگیری بهتر، البته به این شرط که دانش آموز از این موفقیت استفاده کند. به عنوان مثال بعد از هر امتحان سوالات را تحلیل کنیم اگر پاسخ درست داده باشیم این سوال را مطرح کنیم که آیا روش های دیگری هم برای رسیدن به پاسخ درست وجود داشته؟ اما روی پاسخ های منفی تمرکز بیشتری داشته باشیم. سوال کنیم که آیا متوجه سوال نشده ایم یا مفاهیم مورد نیاز پاسخ را نداشته ایم؟ و در نهایت پاسخ درست را بیاموزیم. این رویه به دانش آموز کمک می کند در امتحانات دیگر اشتباهات کمتری داشته باشد. این تکنیک به صورت عینی به رشد دانش آموز کمک می کند. رشدی که تنها به کلاس های درس محدود نمی شود و در جامعه و آینده دانش آموز هم تاثیرگذار خواهد بود.

• آیا موفقیت تحصیلی خود هدف نهایی است یا واسطه ای برای رسیدن به اهداف دیگر است؟



از دید من هر دو اینهاست. واقعیت این است اهداف در سلسله مراتب قرار می گیرند. موفقیت تحصیلی به تنهایی خودش یک هدف است. از دید من موفقیت تحصیلی هدف ارزشمندی است. ما یک پیش فرض داریم، اینکه برنامه ریزان درسی چیزی که مفید نباشد را در دروس نمی گنجانند. به این بیندیشیم که بخشی از این موفقیت ها مربوط به آینده است. در واقع زیربنای موفقیت های آینده را تشکیل می دهند و در بلندمدت به تاثیرگذاری آنها پی خواهیم برد. پاره ای از یادگیری های دوران مدرسه از جنس همین آموزش های مبنایی هستند. در واقع این یادگیری ها راهی برای یادگیری های دیگرند. انسان در طول زندگی اش نیازمند یادگیری است. یادگیری که تمرین کردنش از مدرسه شروع می شود. مهارت تفکر و مهارت زندگی موارد پایه ای هستند و همه افراد با هر جنسیت هر شرایط و هر شغلی نیاز به آن دارند، بنابراین باید به این مهارت ها به عنوان فصل مشترک نگاه کنیم.

• چه عواملی تضمین کننده موفقیت تحصیلی دانش آموزان را باید کجا جست و جو کرد؟

چالش مهم بعدی که به فضای اقتصادی و اجتماعی کشور برمی گردد این است که مسیرهای متنوع رسیدن به موفقیت را محدود یا از بین ببریم. به این معنا که راه های پیشروی دانش آموزان برای رسیدن به موفقیت کم شود. جامعه ای کامیاب است که عرصه های گسترده ای پیش چشم فرزندان اش ایجاد کند. نه اینکه تنها موفقیت در یک یا دو رشته تحصیلی و تحصیل در چند دانشگاه خاص خلاصه شود. مسیری سخت که به قیفی بزرگ شبیه است که آدم ها را در مسیری له می کند و در نهایت تعداد محدودی از آن خارج می شوند. جامعه باید به گونه ای پیش برود که فرصت های بالندگی و رشد متنوع تر و بیشتری را در اختیار فرزندان اش قرار بدهد. در واقع جامعه باید از ارزش گذاری های افراطی حذر کند. نکته مهم دیگر این است که فضایی پاک و عاری از قضاوت داشته باشیم. قضاوت به معنای در مقام تایید و رد قرار دادن افراد و برچسب زدن به آنها. چنین رویه ای احساس آزادی و مسئولیت پذیری را از افراد می گیرد و در نهایت باعث می شود جامعه به سمت یاس و ناامیدی پیش برود.

• ساختار آموزش و پرورش چه تدابیری برای تحقق این هدف مشترک خانه و مدرسه اندیشیده؟

بعد از سند تحول بنیادین این موضوعات در برنامه های درسی گنجانده شدند. در واقع ما برای آداب و مهارت های زندگی کتاب داریم در پایه های تحصیلی، همین طور برای تفکر. هر چند نکته مهم این است که کاری کنیم در مدرسه این دروس جدی گرفته شوند یعنی این دروس موثر تدریس شوند. «موثر» واژه کلیدی است به این معنا که دانش آموز قبل و بعد از خروج به این مباحث فرق داشته باشد هم از منظر شناختی و هم نگاهش. در واقع باید تلاش شود نگاه جنبی و کم اهمیت به این دروس از بین برود. نباید فراموش کنیم



که این موارد اصل هستند و امکان اینکه دانش آموز بیرون از فضای مدرسه و در جامعه آنها را بیاموزد، پایین است.

• عوامل مدرسه در بخش های مدیریتی و اجرایی و معلمان چگونه می توانند تسهیل کننده و تامین کننده موفقیت تحصیلی دانش آموزان باشند؟

مدرسه یک سیستم است و باید نگاهی سیستمی داشت. در یک سیستم تمام اجزا در رسیدن به هدف تاثیرگذارند. محیط پیرامون مدرسه، معلمان، مدیران، دانش آموزان، گروه خدمات، قوانین مدرسه، کتاب های درسی و ... سیستم مدرسه را تشکیل می دهند. کار مدیر به هم وصل کردن و به حرکت درآوردن این اجزا در جهت هدف است. مدیر در این سیستم نگاهی از بالا دارد اینکه معلم برنامه های درسی را می شناسد یا در انتقال مفاهیم به دانش آموزان چگونه عمل می کند و ... مهم ترین اتفاقی که در این سیستم باید بیفتد رسیدن به هدف است.

• رسیدن به هدف؛ عوامل تاثیرگذار در تحقق این امر چه چیزهایی هستند؟

رسیدن به هدف ملزم داشتن آگاهی و در وهله بعد عمل حرفه ای است. به این معنا که همه اجزا باید آگاهانه، عمل حرفه ای انجام دهند. دانش آموز باید آگاهانه و حرفه ای یادگیری را انجام دهد. همین طور اولیا باید حرفه ای پدر و مادر شوند و البته آگاهانه، همین طور معلم ها. معلمان ما دلسوز و مهربان هستند و معلم حرفه ای کم داریم. دلسوزی و مهربانی برای کار معلمی کفایت نمی کند. معلم باید حرفه ای باشد این حرفه ای بودن یعنی همه قواعد انجام این کار را بلد باشد و نسبت به آن آگاهی داشته باشد و در اجرا توانا ظاهر شود. ما معتقدیم دانش آموزان ۱۲ سال در فضای آموزش مدرسه هستند و باید در این سال ها مسیر حرفه ای شدن را یاد بگیرند.

• دانش آموزان از خانواده هایی با تفاوت های بسیار وارد محیط مدرسه می شوند. این تنوع و تفاوت در نگاه و تربیت و اهداف چه تاثیری بر میزان موفقیت ها دارد؟

تنوع و تفاوت ها بخش لاینفک هستند اما این تنوع ها در بخش آموزش و تربیت رسمی و عمومی به حداقل می رسند. تفاوت ها و تنوع ها در سرشاخه ها هستند اما تربیت عمومی بدنه این درخت است. بچه ها در نظام آموزشی مهارت یادگیری، تفکر و رشد متوازن در ۶ ساحت را می آموزند. یعنی تربیت دینی، علمی، زیستی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و هنری و زیباشناختی. ۶ ساحتی که کسی در یادگیری آنها شک ندارد. پس تفاوت ها بعد از این مراحل قرار می گیرند. در واقع در دوران تربیت عمومی و رسمی، دانش آموزان تقریباً یک هدف را دنبال می کنند تا به تمام توانمندی ها و مهارت های اولیه دست بیابند. بعد از این آموزش ها هر دانش آموزی مسیر خودش را در پیش می گیرد. به اعتقاد ما اگر این آموزش ها به خوبی اجرایی شوند در آینده تفاوت ها می توانند بارور شده و جامعه بهتری رقم بزنند.

• در این راستا چه انتظاری از والدین می شود، داشت. آنها چگونه می توانند در این راستا نقش آفرینی کنند؟

بخش مهم بر دوش پدر و مادرهاست. بیشتر اوقات دانش آموزان در میان اعضای خانواده سپری می شود. با در نظر گرفتن حضوری شدن مدارس دانش آموزان حدود ۹۰۰ ساعت در مدرسه خواهند بود در حالی که بالای پنج یا ۶ هزار ساعت در خانواده هستند. در واقع ۸۵ درصد وقت دانش آموزان در اختیار خانواده هاست. خانواده ها می توانند نقش مهمی ایفا کنند اگر آگاه و حرفه ای باشند. خانواده می تواند با دادن مسئولیت، کمک کردن و کم کردن وسواس ها به دانش آموزان اجازه رشد بدهند. خانواده ها می توانند دانش آموزان را شجاع بار بیاورند.

• آیا این احتمال وجود دارد که خانواده مانعی برای موفقیت دانش آموز باشد؟

خانواده های امروزی خانواده های کم فرزند هستند و این دلیلی است تا خانواده ها مانعی بر سر راه رشد بچه ها باشند. این منع به دو طریق اتفاق می افتد یکی صیانت بیش از حد از بچه ها تا جایی که خود فرد توانایی حفاظت از خودش را ندارد. در واقع خانواده های ما به دلیل توجه زیادی، فرزندان را ناتوان و وابسته تربیت می کنند. دومین طریق که اهمیت بیشتری هم دارد و متأسفانه آسیب زننده هم هست سرویس دهی به بچه هاست. اتفاقی که اغلب از طرف مادران می افتد. مادران مدام در حال خدمت رسانی به بچه ها هستند در حالی که باید تنها به کمک کردن اکتفا کنند. سرویس دهی و خدمات رسانی تنها مختص کودکان تازه متولد شده است که تمام وجود کودک نیاز است. این رویه باید به مرور کم شده و جایش را به کمک کردن بدهد. در واقع باید در ۱۲ سالگی خدمات رسانی کاملاً حذف شده و تنها به کمک کردن اکتفا شود. مادران متأسفانه حواس شان به گذر زمان نیست و این سرویس دهی را همچنان ادامه می دهند.